

# ملاحظات امنیتی

## هند\*

ترجمه و تلخیص: بهمن آقایی

مسائل مربوط به امنیت را می‌توان تحت سه عنوان کلی قرارداد: تهدیدهای واقعی، که متوجه امنیت است، تهدیدهای بالقوه و تهدیدهای ضعیف.

### تهدیدهای واقعی

تهدیدهای واقعی که امروزه هند با آن مواجه است، می‌تواند از دو منبع باشد: الف) پاکستان و ب) چین.

الف) پاکستان: تاکنون سه جنگ کامل و یک برخورد بین دو کشور رخ داده است. در سال ۴۷-۱۹۴۶ جنگ به خاطر کشمیر صورت گرفت؛ زیرا هر دو کشور مدعی حاکمیت بر این ناحیه بودند. در سال ۱۹۶۵ پاکستان حادثه «کوچ» را ترتیب داد تا وضع هند را بسنجد. در سال ۱۹۷۱ هند توانست با موفقیت از جنگ داخلی پاکستان بهره‌برداری نماید و آن را به دو قسمت تجزیه کند.

خطر یک جنگ دیگر همیشه وجود دارد؛ ولی در حال حاضر بخصوص با توجه به برتری نیروی هند و نیز حضور سنگین نیروهای شوروی در افغانستان، شروع جنگ به ابتکار پاکستان بعید است.

معهدنا از دید پاکستان این احتمال وجود دارد که هند یک بار دیگر به طمع دستاوردهایی که از اقدام قبلی خود علیه پاکستان (در سال ۱۹۷۱) کسب کرده بود، استفاده از زور را به نفع خود بیابد (چه به تنهایی و چه با هماهنگی شوروی). این امر نیز بویژه با توجه به عدم ثبات داخلی پاکستان برای آن کشور واقعی تر جلوه می‌نماید.

\* مشخصات متن اصلی مقاله به این شرح است:

«Nuclear India», *Strategic Studies*, Vol, III, (New Delhi: Institute for Defense Studies and Analyses, 1984).

با توجه به وضعیت فعلی نیروها، دو کشور در یک جنگ ۷ تا ۲۱ روزه موقعیت نسبتاً مساوی خواهند داشت؛ اگر مدت جنگ بیشتر از این به طول انجامد هند بتدریج برتری خود را کسب خواهد کرد. اما بدون این فرصت نخواهد توانست برتری لازم را به دست آورد.

ب) چین: تاکنون یک جنگ و یک برخورد عمده بین دو کشور رخ داده است. در سال ۱۹۶۲ هند سعی کرد با استقرار نیروهای شبه نظامی گشتی در طول مرزهای مورد نظر خود، آنها را به چین بقبولاند؛ اما دولت چین با یک حمله کامل از شمال غربی و شمال شرقی هند عکس العمل نشان داد. در سال ۱۹۶۷ نیز حادثه «فتولا» رخ داد، که در واقع نوعی آزمایش هند از طرف چین بود.

در سال ۱۹۶۵، گرچه حادثه ای رخ نداد، چین بدون موفقیت سعی کرد با استفاده از تهدید توسل به زور، هند را از جنگ با پاکستان برحذر دارد؛ اما در سال ۱۹۷۱، با وجود اینکه نیاز پاکستان به مداخله چین بیشتر بود، این کشور هیچ تلاشی برای تهدید هند به عمل نیاورد.

در حال حاضر احتمال جنگ بین دو کشور اندک است. گرچه چین نشان داده است که آمادگی استفاده از زور را برای حمایت از اهداف سیاست خارجی خود دارد (جنگ ۱۹۶۲ هند و چین، حادثه سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۴ و بخصوص جنگ چین و ویتنام در سال ۱۹۶۹ نمونه های خوبی است)؛ اما در حال حاضر چین قسمتهای مورد ادعایش را در اشغال خود دارد. از نقطه نظر هند نیز اثرات شکست سال ۱۹۶۲ و نیز حجم فوق العاده نیروهای مسلح چین باعث شده است که این کشور طرد زور را برای حل مشکلات بین چین و هند ترجیح دهد.

به نظر کارشناسان امور دفاعی در هند، اگر از هر نقطه مرزی بین دو کشور جنگی شروع شود هند برتری موقت خواهد داشت و به محض تقویت نیروهای تبت توسط چین، برتری هند در منطقه مزبور از بین خواهد رفت. به همین جهت قابل ملاحظه است که هند توجه زیادی به تقویت نیروهای هوایی خود دارد؛ زیرا با نیروهای هوایی قوی تر، هند خواهد توانست برای چندین هفته و شاید چندین ماه تقویت تبت توسط چین را به تأخیر بیندازد.

گرچه از نظر تئوری احتمال همکاری چین با پاکستان در صورت بروز جنگ بین هند و پاکستان وجود دارد، اما با توجه به پیمان دوستی هند و شوروی، چین در اقدام فعالانه خود برای مداخله در هند تردید خواهد کرد.

## تهدیدهای بالقوه

تهدیدهای بالقوه‌ای که اکنون هند با آنها روبه‌روست عبارتند از:  
الف) مداخله آمریکا به حمایت از پاکستان، در صورت بروز برخورد جدید بین هند و پاکستان؛

- ب) اثرات جنبی جنگ جدید اعراب و اسرائیل؛  
پ) اثرات جنبی هرگونه مواجهه آمریکا و شوروی با ایران؛  
ت) مواجهه ابرقدرتها در صورت بی‌ثباتی پاکستان؛  
ث) پیشروی شوروی در صورت تجزیه پاکستان.

\*

الف) پاکستان - آمریکا: روابط امنیتی روزافزون و در حال گسترشی بین پاکستان و آمریکا وجود دارد. آمریکا از شورشیان افغانی که از پاکستان عملیات خود را تدارک می‌بینند حمایت کرده، دولت پاکستان را با انواع سلاحها تجهیز می‌نماید. آمریکا از تسهیلات بندری پاکستان بهره‌برداری می‌کند و احتمالاً تبادل اطلاعات در مورد حضور شوروی در افغانستان بین دو کشور انجام می‌شود. اکنون پاکستان به صورت کشور درجه اول برای آمریکا، در سیاست جدید این کشور علیه شوروی، درآمده است. اگر آمریکا احساس کند که پاکستان توسط هند تهدید می‌شود احتمال مداخله اش وجود دارد.

در سال ۱۹۷۱ آمریکا با اعزام یک ناو هواپیمابر به اقیانوس هند سعی کرد هند را تحت فشار قرار دهد. اینکه تهدید مزبور موفقیت‌آمیز بوده است یا نه، بستگی دارد به اینکه هند از لحاظ اهداف نظامی خود به قسمتهای شرقی پاکستان نظر داشته است یا خیر.

در صورت تهدید پاکستان توسط هند احتمال انواع اقدامات از جمله اعزام ناوهای جنگی، مداخله عملی توسط نیروهای نظامی و حمله هوایی به هدفهایی در خاک هند وجود دارد.

ب) عواقب جنگ اعراب و اسرائیل: در صورت بروز جنگ جدید بین کشورهای عربی و اسرائیل:

۱. کالاهای وارداتی هند تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.
۲. احتمالاً شوروی فشار خواهد آورد تا از تسهیلات بندری هند برای ناوهای جنگی خود استفاده کند.

۳. نیروهای دریایی هند تحت نظر نیروهای آمریکایی قرار خواهند گرفت؛ زیرا گمان می‌رود که این نیروها احتمالاً با نیروهای شوروی همکاری دارند.

۴. آمریکا از تسهیلات دریایی و پایگاه‌های هوایی پاکستان استفاده خواهد کرد.

۵. استقرار احتمالی نیروهای آمریکایی در پاکستان برای جلوگیری از هرگونه تلاش شوروی یا هند و یا هر دوی آنها برای بهره‌برداری و مغتنم شمردن فرصت درگیری آمریکا در خاورمیانه.

۶. استقرار نیروهای آمریکایی در پاکستان برای افزایش فشار بر شوروی، جهت محدود کردن دامنه عمل آن کشور در خاورمیانه و نیز برحذر داشتن آنها از پیشروی به سوی ایران.

گرچه درگیری عملی بین آمریکا و شوروی غیرمحتمل است، ولی اگر چنین اتفاقی رخ دهد دامنه عملیات به هند کشیده خواهد شد. برای مثال یک کشتی صدمه دیده شوروی که برای پناه گرفتن وارد آبهای ساحلی هند شده است امکان دارد توسط نیروهای متخاصم در این محدوده مورد حمله قرار گیرد.

پ) مواجهه آمریکا و شوروی بر سر ایران: تمام ملاحظاتی که در مورد جنگ اعراب و اسرائیل گفته شد در این مورد نیز مصداق دارد.

ت) مواجهه آمریکا و شوروی در صورت عدم ثبات پاکستان — عدم ثبات شدید داخلی در پاکستان — ممکن است فرصتی برای شورویها ایجاد کند تا نفوذ خود را در منطقه افزایش دهند و نیز باعث اقدام متقابل آمریکا نشوند.

برای نمونه ضعف قدرت مرکزی در پاکستان ممکن است به اقوام بلوچ فرصت دهد تا اعلام استقلال کنند. شورویها ممکن است نیروهای خود را برای حمایت از دولت جدید روانه آن دیار کنند و آمریکا اقدام متقابل انجام دهد.

ث) پیشروی شوروی در صورت تجزیه پاکستان: اگر پاکستان تجزیه شود و نیروهای شوروی پیشروی کنند، آنگاه شوروی همسایه هند خواهد شد و تمامی روابط استراتژیک بین دو کشور دستخوش تحول خواهد شد. در چنین حالتی احتمال کدورت و حتی برخورد دو کشور هست؛ زیرا در صورت تجزیه پاکستان، هند خواستار تسلط بر تمامی کشمیر، پنجاب و سند بوده، برای بلوچستان حالتی مانند بوتان را ترجیح می‌دهد. اما شوروی این برنامه‌ها را ندارد.

## تهدیدهای ضعیف

این تهدیدها شامل موارد زیر می‌شوند:

۱. جنگ کوچکی با بنگلادش، که در آن بنگلادش سعی خواهد نمود با استفاده از نیروهای چریکی در هند ایجاد بی‌ثباتی نماید و شاید با مجبور کردن عده بیشتری از جمعیت بنگلادش برای مهاجرت به هند مسائل مهمی ایجاد نماید.
۲. سقوط برمه یا نپال به دست چریکهای مورد حمایت چین، که منجر به ایجاد یک دولت ضد‌هندی در آن کشورها خواهد شد.
۳. عملیات چریکی مشترک چین و بنگلادش برای بی‌ثبات کردن نواحی شمال شرقی هند.
۴. تبدیل شدن سریلانکا به یک متحد آمریکا و اعطای پایگاه‌های نظامی به آمریکا.
۵. عملیات تسلط چین بر بوتان.

## وضعیت امنیتی در دهه ۱۹۸۰

وضعیت امنیتی در دهه ۱۹۸۰ چندان تفاوتی با گذشته نخواهد داشت و تغییر عمده صحنه مزبور احتمال دارد با تجزیه پاکستان و با دست یافتن پاکستان به نیروی اتمی صورت بگیرد.

## تجزیه پاکستان

اگر پاکستان تجزیه شود امنیت هند به وضعیت جانشین آن بستگی خواهد داشت. در صورت تسلط شورویها بر منطقه پاکستان احتمال دارد روابط هند و شوروی تیره شود؛ زیرا این دو کشور نظرات متفاوتی نسبت به آن منطقه دارند. در عین حال هند به صورت کشور همسایه شوروی درآمده، در برنامه‌های ابرقدرتها برای رقابت با یکدیگر به خط اول مبارزه وارد خواهد شد. در صورتی که دولت جدید حاکم بر پاکستان تحت تسلط هند باشد، این امر باعث تقویت هند خواهد شد؛ اما در عین حال بازهم از جانب شمال همسایه ابرقدرت شوروی خواهد بود.

## بقای پاکستان

اگر پاکستان با وجود مشکلاتش به بقای خود ادامه دهد، برای هند سه منبع

خطر وجود خواهد داشت:

۱. اگر اقتصاد پاکستان با نرخی سریعتر از هند رشد نماید، پاکستان قادر خواهد بود به تقویت ماشین نظامی خود ادامه دهد. امروزه پاکستان ۶۰٪ بیشتر از سال ۱۹۷۱ افراد زیر خدمت نظامی دارد، در حالی که بخش شرقی را از دست داده است. این امر نتیجه گسترش اقتصاد پاکستان است.
  ۲. اگر پاکستان بحران سیاسی خود را حل نماید، نیروهای مردم به جای اینکه مانند امروز متوجه درگیری با یکدیگر شوند، در جهت سازندگی به راه خواهد افتاد. این امر به ظهور پاکستانی قوی تر و خشن تر خواهد انجامید.
  ۳. اگر پاکستان بتواند به حدی برسد که از لحاظ نیروهای اتمی حالت بازدارنده ایجاد نماید و یا قابلیت اتمی کسب نماید، مسئله امنیت پاکستان در مقابل هند اساساً وارد مرحله جدید خواهد شد.
- پاکستان در مقابل قابلیت اتمی هند شدیدترین عکس العملها را نشان داده، و آن را به عنوان دلیل تجهیز خود به سلاح اتمی معرفی خواهد کرد. در صورت تکمیل شدن قابلیت اتمی هند، پاکستان در اولین فرصت سعی خواهد نمود قابلیت مشابهی به دست آورد و یا اینکه خود را تحت حمایت چتر اتمی آمریکا، چین و یا هر دوی آنها قرار دهد و روابط خود را با این دو کشور بیشتر تقویت کند. از آنجا که دست یافتن هند به نیروی اتمی باعث خواهد شد که پاکستان دیگر نتواند به شانسهای موجود خود برای دست یافتن مجدد به منطقه از دست رفته کشمیر امید داشته باشد، ممکن است این کشور تا قبل از دستیابی هند به نیروی اتمی، به یکی از اقدامات زیر دست بزند:
- الف) قبل از دستیابی هند به حالت بازدارندگی اتمی یک جنگ جدید برای بازپس گرفتن کشمیر به راه اندازد.
  - ب) از نیروی چریکی برای ایجاد عدم ثبات در کشمیر استفاده کند (نیروی اتمی را نمی توان علیه چریکها به کار برد).
  - پ) انجام عملیات برق آسا برای تصرف چند منطقه و بلافاصله توقف عملیات قبل از اینکه هند فرصت وارد کردن نیروی اتمی به صحنه را داشته باشد و زمینه لازم را برای استفاده از چنین سلاحهایی به دست آورد.
- هر کشوری که احساس می کند ممکن است در معرض حمله اتمی قرار گیرد، تلاش می کند که نیروهای معمولی خود را برای رزم در شرایط ناشی از جنگ اتمی آماده سازد. این اقدامات قابلیت نیروهای غیر اتمی را افزایش می دهد، بخصوص باعث

تقویت آنها در عملیات برق آسا می شود. برخی از اقدامات مزبور عبارتند از:

۱. مکانیزه کردن نیروها
  ۲. جایگزین کردن نیروی انسانی با قدرت آتش
  ۳. افزایش تأکید بر نیروی هوایی
  ۴. افزایش وسیع قابلیت تحرک هوایی
- در ضمن اگر پاکستان نتواند بسرعت خود را به برنامه های اتمی هند برساند، امکان دارد برای ایجاد حالت بازدارندگی به سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی متوسل شود. اگر پاکستان نتواند با سرعت قدرت ضربت ثانویه را به دست آورد، خطر توسل این کشور به ضربه اولیه، به خاطر مسائل ناشی از امنیتش، زیادتر می شود.

#### اثرات بر چین

چین ممکن است برنامه اتمی شدن هند را به آرامی قبول نماید. در عین حال برنامه سلاح های اتمی می تواند باعث تقلیل اعتبار (پرستیژ) چین به عنوان تنها نیروی اتمی جهان سوم شود. اگر در نظر بگیریم که این نوع اعتبار برای چین حائز اهمیت است، در آن صورت امکان دارد تصور کنیم که چین ممکن است برای برجای خود نشان دادن هند و تقلیل اثرات ژئوپولیتیکی نیروی اتمی هند، در صحنه جهانی، دست به اقداماتی بزند. این اقدامات می تواند شکل عملیات نظامی به خود بگیرد، همان گونه که چین در سال ۱۹۶۲ این کار را کرد. در آن زمان چین با اجرای یک برنامه حمله نظامی، که خطرات اندکی برای اقتصاد این کشور به همراه داشت، موفق شد اعتبار جهانی هند را در زمان نهرو تخریب نموده، حس اطمینان به نفس هند را برای مدت زیادی (که حتی تا امروز ادامه دارد)، مخدوش نماید و بر تمامی سیاست های خارجی، نظامی و اقتصادی این کشور اثر بگذارد. همچنین اقدامات مزبور می تواند صورت کمک به ثبات زدایی هند به خود بگیرد؛ برای نمونه تجزیه شمال شرقی هند، تشویق پاکستان به ایجاد مشکلات برای هند، افزایش رقابت اقتصادی با هند و تخریب بازارهای سنتی این کشور در خارج و افزایش فشار دیپلماتیک از طریق سایر کشورها را می توان نام برد.

ممکن است چین خود را در محاصره کشورهای متخاصم احساس کند: شوروی در شمال، تایوان در شرق، منطقه هندوچین - تحت تسلط ویتنام - در جنوب شرقی و هند در جنوب غربی. در چنین وضعی برنامه تسلیحات اتمی هند می تواند احساس عدم امنیت چین را تشدید نماید و آن را به اقدام متقابل وادار کند. اقدام متقابل امکان دارد شامل



مسائل زیر شود:

(الف) وارد کردن ضربه اولیه علیه برنامه اتمی هند  
 (ب) دست زدن به یک جنگ غیراتمی برای تحقیر هند  
 (پ) گسترش نوار حائل در تبت با افزایش نفوذ در نپال و جذب نپال و بوتان  
 (ت) عادی کردن روابط با شوروی

عکس این حالت نیز امکان پذیر است و چین ممکن است برای خنثی کردن هند به عادی کردن روابط خود با این کشور دست زند و با دادن مقداری اعتبار و قدرت به هند موافقت نماید.

در مورد وارد کردن ضربه اولیه اتمی (پیشدستی اتمی) امکان دارد تا زمانی که هند به سطح تهدید کننده برسد، یعنی مثلاً تا اواخر دهه ۱۹۸۰ یا اوایل دهه ۱۹۹۰، چین توانسته باشد قابلیت اتمی قابل ملاحظه ای تهیه نماید. برای نمونه، پرتاب اخیر سه ماهواره توسط یک موشک می تواند مقدمه توسعه فعالیت پرتاب موشکهای اتمی با کلاهکهای عمل کننده مستقل (MI RV) باشد.

### عکس العمل غرب

به طور کلی اولین عکس العمل کشورهای غربی به برنامه تسلیحات اتمی هند قطع کلیه کمکهای غیرنظامی اتمی به هند است. اکنون هند به خاطر آزمایش اتمی سال ۱۹۷۴ و امتناع از امضای قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی از سوی برخی کشورها تحریم شده است. در عین حال این تحریم بر روی اقلام بخصوصی که برای برنامه راکتورهای اتمی لازم است، متمرکز شده است. اما برنامه تسلیحات اتمی هند می تواند به قطع کامل کلیه اقلام مربوط به برنامه اتمی چه نظامی و چه غیرنظامی منجر شود. این امر می تواند بر پیشرفت صنعتی کشور به طور کلی و برنامه اتمی به طور خاص اثر بگذارد. گرچه سازمان انرژی اتمی هند مدعی است که بسرعت قابلیت تجهیز برنامه های اتمی غیرنظامی را به دست خواهد آورد، اما حتی ۵ درصد اتکا به اجناس وارداتی می تواند بسیار مهم باشد؛ زیرا فقدان ۵ درصد از تجهیزات یک برنامه اتمی آن را متوقف خواهد کرد.

در مقوله سیاسی باید عکس العمل کشورهای غربی را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. آمریکا: می توان استدلال کرد که آمریکا از هم اکنون هند را به عنوان یک نیروی اتمی می شناسد و بعد از آزمایش اتمی هند هنوز به معامله با این کشور ادامه



می دهد. ولی از سوی دیگر می توان گفت که آمریکا احساس می کند هند بعد از سال ۱۹۷۴ به توسعه قابلیت تسلیحات اتمی خود نپرداخته است و نمی خواهد غیر از مشکلاتی که برای تأمین قطعات راکتور تاراپور فراهم آورده در دسر دیگری تولید نماید. عکس العمل آمریکا به برنامه تسلیحات اتمی هند می تواند بسیار شدید باشد. قطع فوری ارسال وسایل نظامی و غیرنظامی قابل پیش بینی است. این اقدام برای هند حیاتی نیستند ولی کارها را مشکلتر می کنند.

آمریکا برنامه های تسلیحات اتمی اسرائیل و آفریقای جنوبی را به دو دلیل قبول کرده است. اول اینکه آنها کشورهای محاصره شده ای هستند که موجودیتشان در خطر است و آمریکا به دلایل متعدد نمی تواند کاملاً آنها را حفظ نماید. دوم اینکه هر دو کشور مزبور دارای اهمیت حیاتی برای آمریکا هستند. قابل ملاحظه است که در مورد تایوان و کره جنوبی، که موجودیت آنها نیز برای آمریکا مهم است، هیچ اقدامی جهت دستیابی به قابلیت اتمی توسط آمریکا تحمل نشده است.

برداشت آمریکا از هند با این حالتها بسیار فرق دارد. در بهترین حالت آمریکا هند را کشوری غیرمتعهد می شناسد که نسبت به سیاستها و منافع آمریکا بی تفاوت است. آمریکا در بدترین حالت هند را یکی از متحدین شوروی تلقی می کند. اتمی شدن هند نه تنها چین، یعنی دوست آمریکا را به خطر می اندازد، بلکه بر جنوب آسیا - که آمریکا در آن منافع قابل ملاحظه ای دارد - و حتی مهمتر از آن بر غرب آسیا که آمریکا آنرا در جزو مناطق حیاتی برای بقای خود تلقی کرده است، اثر می گذارد.

با توجه به تمایل زیاد آمریکا جهت تأمین امنیت منافع خود با روشهای خشونت آمیز و تجاوزکارانه و تمایل آمریکا به طور کلی برای جلوگیری از گسترش سلاحهای هسته ای، احتمال فشار آمریکا برای به تأخیر انداختن و یا تخریب برنامه تسلیحات اتمی هند وجود دارد. این فشار ممکن است به صورتهای زیر جلوه گر شود:

الف) تلاش از طریق سازمانهای بین المللی برای کاهش کمک به هند (کشورهای مخالف برنامه تسلیحات اتمی هند در این مرحله به یاری آمریکا خواهند شتافت).

ب) تقلیل انتقال تکنولوژی به هند در اقلام مختلف

پ) ایجاد موانع تجاری علیه هند

ت) استفاده از برنامه کمکهای مواد غذایی به این کشور

ث) تلاش برای اثر گذاشتن مستقیم بر سیاست هند از طریق ترور و بی ثبات

کردن طرفداران برنامه‌های تسلیحات اتمی در کادر رهبری هند

(ج) خرابکاری در تأسیسات اتمی

(چ) افزایش فشار خارجی بر هند، با تجهیز پاکستان و یا تشویق پاکستان و چین

به تجاوز مشترک

۲. فرانسه: گرچه این کشور توسط پیمان نامه‌ها و قراردادهای موجود به موضوع آمریکا- یعنی جلوگیری از گسترش سلاحهای اتمی- متعهد است، اما می‌توان تصور کرد که تقریباً هر نوع کمک لازم را به برنامه سلاحهای اتمی هند بنماید. البته فقط به شرط اینکه دستاوردهای مالی قضیه ارزش زیر پا گذاشتن پیمانهایش با متحدین را حتی به صورت تند و غیرمسالمت‌آمیز داشته باشد.

در حالی که طمع کاری و دستاوردهای مالی برای فرانسه می‌تواند مورد بهره‌برداری مفید هند جهت برنامه تسلیحات اتمی خود قرار گیرد، اما در این زمینه سه مسئله عمده وجود دارد:

(الف) اغلب تکنولوژی اتمی فرانسه در سطح بسیار بالا نیست.

(ب) فرانسه با توجه به موقعیت منحصر به فرد خود از لحاظ اینکه به صورت تنها دوست هند در میان کشورهای غربی برای کمک به برنامه تسلیحات اتمی هند درخواست خواهد آمد، انتظار پرداخت مبالغ بسیار گزافی برای این کار خواهد داشت.

(پ) فرانسه به همان اندازه که ممکن است با گرفتن پول برای هند مفید واقع شود، احتمال دارد برای پاکستان نیز همین کار را انجام دهد. بخصوص با توجه به پولهایی که اعراب به پاکستان می‌دهند. در ضمن فرانسه آمادگی این را خواهد داشت که در مقابل استفاده هند از آن کشور، او نیز از هند بهره‌برداری نماید. احتمال می‌رود که هر قدر هم فرانسه به هند کمک کند این امر به ایجاد یک قدرت بازدارنده مستقل برای هند منجر نشود. برای نمونه، اینگونه کمکها ممکن است طوری تنظیم شوند که طول برنامه را زیاد کنند و یا اینکه به جای تقلیل وابستگی به قدرتهای خارجی حالت اتکای به خارج را افزایش دهند.

۳. ژاپن: ژاپن به توافقهای خود با کشورهای دیگر برای منع گسترش سلاحهای

اتمی احترام گذاشته، هر گونه کمک نظامی و غیرنظامی در زمینه مسائل اتمی را متوقف خواهد کرد. با وجود این اثرات واقعی برنامه سلاحهای اتمی هند بر روی ژاپن مهم است. ژاپن به خاطر قدرت اقتصادی روزافزون خود دارای توانایی بالقوه جهت تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ را دارد؛ اما تاکنون تلاش نموده است که قدرت خود را فقط بر

مسائل اقتصادی متمرکز نماید. در صورتی که کشور ضعیفی مثل هند در منطقه مجهز به قدرت اتمی شود، بخصوص با توجه به اینکه کشورهای ضعیف دیگری نیز به دنبال آن راهی باشگاه اتمی خواهند شد، به زحمت می‌توان قبول کرد که ژاپن در مقابل اعتبار و اهمیت این کشورها به خاطر داشتن سلاح اتمی بی‌تفاوت بماند. بدون شک برنامه‌های اتمی هند باعث خواهد شد که ژاپن در مورد نقش خود در جهان امروز به تفکر پردازد.

سایر کشورهای غربی به احتمال بسیار زیاد به توافقاتی مربوط به قطع تکنولوژی و موادی که امکان دارد هند در برنامه‌های اتمی خود از آن استفاده نماید وفادار خواهند ماند.

آلمان غربی به عنوان یک کشور قدرتمند اقتصادی بدون شک راجع به موقعیت خود در زمینه تسلیحات اتمی تجدیدنظر خواهد کرد.

۴. اثرات بر بلوک شوروی: باید گفت که هرگونه اشاره به اثرات برنامه‌های تسلیحات اتمی هند بر بلوک شوروی، در واقع اشاره به عکس‌العمل شوروی است. شوروی نسبت به مفهوم منع گسترش سلاحهای اتمی علاقه‌مند است و موافقت‌نامه‌های گوناگون، مربوط به لزوم قطع ارسال تکنولوژی و مواد اتمی به کشورهای که در آستانه اتمی شدن است، را امضا کرده است و انتظار می‌رود به آنها احترام بگذارد.

از لحاظ سیاسی موضع شوروی پیچیده‌تر است. احتمال دارد که شوروی، چون هند را کشوری در خدمت خود می‌داند، اتمی شدن آن را براحتی قبول نماید. امروزه متحدین شوروی همگی ضعیف هستند. صرف نظر از کوبا، ویتنام و هند که هر یک به درجه‌ای معینی به شوروی نزدیک هستند. از سوی دیگر میزان دشمنان واقعی و بالقوه شوروی در جهان از لحاظ جمعیت، توان نظامی و قدرت اقتصادی بیشتر از دوستانش است. بنابراین می‌توان گفت که یک هند اتمی باید برای شوروی خوشایند باشد؛ اما دلایل متعددی وجود دارد که خلاف این امر را نشان می‌دهند:

۱. صرف نظر از نحوه برداشت آمریکا، انگای هند به شوروی، به خاطر دریافت کمکهای دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی، بیشتر از شوروی است تا غرب. ایدئولوژی و روش زندگی هند با شورویها تفاوت دارد و هر قدر که هند قوی‌تر شود، کمتر به شوروی احتیاج خواهد داشت؛ و داشتن قدرت بازدارندگی اتمی برای هند بدون شک به معنی قدرت نظامی بیشتر برای این کشور است.

۲. به نظر می‌رسد که شوروی در معادلات جهانی ترجیح می‌دهد از قدرت خود استفاده کند، تا متحدینش. برای نمونه کشورهای اروپای شرقی همگی بر روی هم بخش کوچکی از کل قدرت بلوک شرق را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که اروپای غربی برای قدرت بلوک غرب بسیار مهم است. احتمال دارد که شوروی در اتمی شدن هند فایده‌ای برای خود نبیند، زیرا به حمایت سیاسی و دیپلماتیک هند از خود بیشتر از حمایت نظامی آن اهمیت می‌دهد.

۳. هیچکس نمی‌تواند با قاطعیت آینده روابط هند و شوروی را تعیین نماید. در حال حاضر علائمی دیده می‌شود که هند متمایل است به یک قدرت متوسط مانند فرانسه متکی باشد، تا به یک ابرقدرت. اگر این تحول تا حصول یک نتیجه منطقی دنبال شود احتمال دارد هند از شوروی دورتر شود.

هند با سلاح اتمی می‌تواند به یک مرکز قدرت در نزدیکی مرزهای شوروی تبدیل شود، که کنسول آن در دست شوروی نیست و از لحاظ ایدئولوژیک به آن وابستگی ندارد. با توجه به احساس خطر شوروی از امنیت خود، ظهور یک مرکز قدرت جدید، که خاک شوروی می‌تواند در محدوده برد آن باشد، برای شورویها جالب نیست.

#### اثرات در غرب آسیا

اتمی شدن هند در غرب آسیا به دو صورت اثر خواهد داشت:

۱. این امر می‌تواند بر روی احساسات اعراب اثر منفی داشته باشد، زیرا هند یک کشور هندومذهب و فقیر است و کشورهای مسلمان احتمال دارد به طور کلی احساس خوبی از ظهور یک هند اتمی نداشته باشند.

۲. با سقوط شاه، هند در سطح وسیع‌تری قدرت منطقه‌ای خود را اعمال می‌نماید؛ اما اکنون هند به خاطر فقدان قدرت کافی محدود است. اگر هند به قدرت بزرگتری تبدیل شود ممکن است بزودی خود را در قابلیت اعمال قدرت در خارج از حواشی خود احساس کند.

هند با داشتن قدرت اتمی حتماً نقش مهمتری در حوادث غرب آسیا به عهده خواهد گرفت و این نقش ممکن است برای کشورهای دیگر منطقه مطلوب نباشد.

هر گونه اقدام متقابل از جانب کشورهای آسیای غربی احتمالاً از طریق پاکستان محتمل خواهد بود. تشویق بیشتر پاکستان به کسب قدرت اتمی یکی از راه‌های این امر است و تقویت قابلیت نظامی پاکستان روش دیگر آن است. البته کشورهای

آسیای غربی سوای دادن پول به پاکستان کار دیگری نمی‌توانند انجام دهند؛ چون خود کشورهای ضعیفی هستند. در عین حال کشورهای آسیای غربی خود دچار تفرقه و پریشانی هستند و انتظار اقدام واحد و مشترکی از آنها نمی‌رود.

از لحاظ اثرات کلی اتمی شدن هند بر نقاط دیگر جهان، باید گفت که این مسئله کشورهای متوسط مانند اندونزی، برزیل و آرژانتین را بشدت به کسب قدرت اتمی ترغیب خواهد کرد و در عین حال با افزوده شدن بر تعداد کشورهای اتمی به طور کلی از اهمیت و اعتبار دارا بودن این سلاحها کاسته خواهد شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی